

مُنَادِيَانِ اَمْت

دو هفته نامه منادیان امت | شماره سی | خرداد ماه ۱۴۰۵

فضیلت شرعی قربانی

بخش اول: فلسفه، فضیلت و ثواب قربانی در ترازوی وحی و سنت / ۱
بخش دوم: نقد و آسیب شناسی خرافات مرتبط با قربانی / ۲

آیا ذبح قربانی واحد ثواب به دیگری شرک است؟

بخش اول: نقد مبانی و هابیت در شرک انگاری ذبح / ۳
بخش دوم: نذر و ذبح برای اولیاء در فقه / ۴
بخش سوم: ادله سنت نبوی و تمایز ظاهر با باطن عمل / ۴
نتیجه گیری / ۴

آرام کردن استکبار؛ چگونه خونِ نامتقوا و مستخاد و میثرا برای آمریخا می‌کشد؟

کشیدن ضامن نارنجک در اتاق شیشه‌ای / ۴
شخم زدن پایگاه‌های شیطنی؛ پایان حضور آمریکا در منطقه / ۴
تنبیه سخت دولت‌های خائن و مرتجع / ۵
انسداد تنگه هرمز؛ فشردن شریان تنفسی استکبار جهانی / ۵
سردرگمی مفتضحانه ترامپ؛ نمایشی از استیصال در پایان راه / ۵

از قمع مهرشهر و طوفان طبس تا آسمان اصفهان

خرم‌شهر؛ شکست دژهای نفوذناپذیر / ۵
واقعۀ طبس؛ شن‌های که مامور خداوند بودند / ۶
نبرد جاری در آسمان اصفهان؛ خودویرانگری مستکبران / ۷

کاربرد قاعده فقهی القیم ترک علی‌قدمه

فهم دقیق قاعده: قدمت، نیازمند مشروعیت است / ۷
اثبات حق حاکمیت ایران بر اساس همین قاعده / ۷
محدودیت قاعده در برابر ضرر ملی: «الضرر لا یكون قديما» / ۸
استاندارد دوگانه در استناد به قواعد فقهی / ۸



سلاح الله اکبر

نفس رژیم متزلزل صهیونیستی به شماره افتاده است

سلاح الله اکبر بود که رشته‌های اتصال امت اسلامی و جوانان مجاهد جبهه مقاومت را از ایران تا لبنان و فلسطین و عراق و سوریه، از آفریقا و یمن تا افغانستان و پاکستان و همه ملت‌های آزاده‌ی جهان مستحکم کرد تا این حبل متین به دفاع از کیان امت اسلامی در برابر متجاوزان غاصب صهیونیستی برخیزد، طومار داعش را درهم پیچد، طوفان الاقصی به راه اندازد و نفس رژیم متزلزل صهیونیستی را به شماره بیندازد.

بخشی از پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت برگزاری حج | ۵ خرداد ۱۴۰۵

فضیلت شرعی قربانی

عید قربان (عید الأضحی) یکی از بزرگ‌ترین شعائر عبادی و اجتماعی در جهان اسلام است که نماد تسلیم محض در برابر اراده الهی و گذشت از علایق مادی به شمار می‌رود. سنت قربانی کردن، افزون بر ابعاد عبادی و تقرب به پروردگار، دارای کارکردهای عمیق اقتصادی و اجتماعی از جمله دستگیری از مستمندان و تقویت روحیه همبستگی امت اسلامی است. با این حال، در طول تاریخ، برخی پندارها و رفتارهای خرافی و عامیانه پیرامون این سنت حسنه شکل گرفته که اصالت و روح توحیدی آن را خدشه‌دار می‌سازد. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به تبیین فلسفه و ثواب شرعی قربانی بر اساس آیات و روایات پرداخته و سپس به نقد و واکاوی خرافات مرتبط با آن می‌پردازد.

بخش اول: فلسفه، فضیلت و ثواب قربانی در ترازوی وحی و سنت

۱. فلسفه قربانی؛ از نمادگرایی تا تقوا

قربانی در لغت از ریشه «قُرب» به معنای چیزی است که مایه تقرب و نزدیکی به خداوند می‌شود. قرآن کریم به زیبایی حقیقت پشت‌پرده‌ی این عمل مادی را آشکار ساخته و می‌فرماید:

«لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ...» (سوره حج، آیه ۳۷)

ترجمه: «هرگز گوشت‌ها و خون‌های آن‌ها به خدا نمی‌رسد، بلکه تقوای شماست که به او می‌رسد...»

این آیه صراحت دارد که پروردگار غنی مطلق، نیازی به ذبح و خونریزی ندارد؛

بلکه آنچه در این معرکه ارزش‌گذاری می‌شود، نیت پاک، روحیه تعبد، ایثار و متقی شدن انسان مؤمن است. قربانی کردن، نمادی از سر بردن «نفس اماره» و دلبستگی‌های دنیوی در پایگاه بندگی است.

۲. ثواب و پاداش اخروی قربانی در روایات

در منابع روایی فریقین (شیعه و اهل سنت)، پاداش‌های عظیمی برای سنت قربانی ذکر شده است که نشان‌دهنده اهمیت این جلوه مالی-عبادی است.

• در روایات اهل سنت، از رسول خدا (ص) نقل شده است: «مَا عَمِلَ آدَمِيٌّ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِهْرَاقِ الدَّمِ...» (سنن ترمذی، حدیث ۱۴۹۳)

ترجمه: «هیچ عملی که فرزند آدم در روز عید قربان، نزد خداوند محبوب‌تر از ریختن خون (قربانی کردن در راه خدا) نیست.»

• در منابع شیعه نیز امام علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌فرمایند:

«إِنَّمَا جُعِلَ هَذَا الْأُضْحَى لِشَبَعِ مَسَاكِينِكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأُطْعِمُوهُمْ» (علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۳۸)

ترجمه: «این عید قربان تنها برای این قرار داده شده است که مساکین و نیازمندان شما از گوشت سیر شوند، پس آنان را اطعام کنید.»

این احادیث نشان می‌دهند که پاداش قربانی پیوندی ناگسستنی با کارکرد اجتماعی آن یعنی «فقرزدایی و اطعام» دارد.

بخش دوم: نقد و آسیب‌شناسی خرافات مرتبط با قربانی

با وجود اصالت توحیدی این سنت، در فرهنگ عامیانه مردم (به ویژه در خاورمیانه و شبه‌قاره)، خرافاتی رسوخ کرده است که با روح اسلام در تضاد مستقیم قرار دارد. در ادامه به نقد علمی و شرعی مهم‌ترین این خرافات می‌پردازیم:

۱. خرافه برکت‌انگاری و تقدس خون (مالیدن خون به خودرو، خانه و پیشانی)

یکی از شایع‌ترین رفتارها، مالیدن خون حیوان ذبح‌شده به پلاک یا لاستیک خودروی نو، درب و دیوار خانه جدید، یا پیشانی افراد (به ویژه کودکان) برای دفع چشم‌زخم و جلب برکت است.

• **نقد شرعی و عقلی:** اولاً، بر اساس احکام صریح اسلام، خون جهنده حیوان پس از ذبح، «نجس» است. آلوده کردن بدن،

لباس، یا محل سکونت به یک ماده نجس، با اصل بنیادین «طهارت» در اسلام کاملاً مغایر است.

ثانیاً، اعتقاد به اینکه خون حیوان دارای نیرویی ماوراءالطبیعی برای دفع بلا یا چشم‌زخم است، بازگشت به رسوم جاهلیت پیش از اسلام است. دفع بلا تنها به اراده الهی و از طریق صدقه، دعا و توکل صورت می‌گیرد، نه از طریق ترشحات خون یک حیوان.

با وجود اصالت توحیدی این سنت، در فرهنگ عامیانه مردم (به ویژه در خاورمیانه و شبه‌قاره)، خرافاتی رسوخ کرده است که با روح اسلام در تضاد مستقیم قرار دارد. در ادامه به نقد علمی و شرعی مهم‌ترین این خرافات می‌پردازیم:

۲. خرافه رد شدن از روی خون یا مالیدن دست به خون (حمام خون)

در برخی مناطق رسم بر این است که افراد بیمار یا کسانی که گمان می‌کنند جادو شده‌اند، پاهای خود را در خون حیوان فرو می‌برند یا از روی جوی خون عبور می‌کنند تا بیماری و سحر از آن‌ها دور شود.

• **نقد علمی و بهداشتی:** خون یکی از مستعدترین محیط‌ها برای رشد و انتقال انواع باکتری‌ها و ویروس‌های خطرناک (مانند تب کریمه کنگو و سیاه‌زخم) است. اسلام دینی است که بر پایه سلامت و قاعده «لا ضرر و لا ضرار» بنا شده است. آلوده کردن خود به خون گرم حیوان، نه تنها درمان نیست، بلکه تهدیدی جدی برای سلامت عمومی جامعه است و از نظر عقلانی نیز باطل است.

۳. خرافات مرتبط با اجزای بدن حیوان (حفظ شاخ، استخوان یا طحال)

برخی بر این باورند که نگهداری شاخ حیوان قربانی‌شده در خانه، مایه شجاعت اهل خانه می‌شود، یا دفن کردن هفت استخوان از قربانی در چهارگوشه زمین، برکت کشاورزی را زیاد می‌کند. همچنین باورهای غلطی درباره خواص جادویی طحال (اسپرز) یا دیگر اجزای حرام حیوان وجود دارد.

• **نقد فقهی:** اسلام در جزئیات مصرف قربانی راهنمایی مشخصی دارد: گوشت آن باید سه قسمت شود (قسمتی برای خود، قسمتی برای هدیه به دوستان و قسمتی برای نیازمندان). تبدیل کردن اجزای حیوان به «طلسم» یا ابزار پیشگویی و جادو، انحراف از مسیر توحید است. در روایات اهل سنت و شیعه،

بخش اول: نقد مبانی وهابیت در شرک انگاری ذبح

وهابیت با اتکا به ظواهر برخی تعابیر، هرگونه ذبحی را که نام یا یاد شخص دیگری (مانند پیامبر یا ولی خدا) در آن مطرح باشد، مصداق قطعی «ذبح لغیر الله» (ذبح برای غیر خدا) دانسته و فاعل آن را مشرک و مهدورالدم قلمداد می‌کنند. اما این دیدگاه از چند جهت مخدوش است:

۱. اصل بنیادین «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»

در فقه و کلام اهل سنت، معیار سنجش اعمال، نیت و انگیزه درونی فاعل است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (صحیح البخاری). هنگامی که یک مسلمان موحد گوسفندی را ذبح می‌کند، نیت او در اصل عمل ذبح، امتثال امر الهی و تقرب به ذات پروردگار است. او در هنگام ذبح، نام خدا را بر زبان می‌آورد («بسم الله، الله اکبر»). تفاوت اساسی میان عمل این مسلمان با یک مشرک دوران جاهلیت در این است که مشرک، حیوان را برای تعظیم و پرستش بت ذبح می‌کرد و بت را معبود می‌دانست؛ در حالی که مسلمان، حیوان را صرفاً برای خدا ذبح کرده و ثواب مادی یا معنوی آن را به روح پیامبر (ص) یا یکی از اولیاء الهی هدیه (اهداء ثواب) می‌کند.

۲. مشروعیت کلامی «اهداء ثواب» به اموات

بر اساس اجماع فقهای اهل سنت (اعم از حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی)، صدقه دادن از طرف مردگان و اهداء پاداش اعمال خیر به روح آنان مشروع و نافع است. محقق نامدار اهل سنت، «عزّامی» در کتاب «فرقان القرآن» به صراحت می‌نویسد: «اگر کسی در مورد انگیزه مسلمانان از نذر و قربانی برای انبیاء و صالحین تحقیق کند، به این نتیجه خواهد رسید که انگیزه‌ای جز صدقه دادن از طرف آن‌ها و اهداء ثواب آن به روح اموات ندارند و اجماع اهل سنت بر آن است که صدقه انسان‌های زنده به اموات می‌رسد و به حال آن‌ها مفید است.» بنابراین، تعبیری مانند «قربانی فلان ولی» در عرف مسلمانان، یک حذف مضاف متعارف است؛ یعنی «ذبح گوسفند برای خدا و اهداء ثواب آن به فلان ولی». شرک انگاشتن این عمل، ناشی از سوءظن به مسلمانان و عدم درک حقیقت نیت آن‌هاست.

تکیه بر طلسم‌ها و باور به تأثیر مستقل اشیاء، بشدت نهی شده است (من تعلق شیئاً وکلّ إلیه؛ هرکس به چیزی [خرافی] متوسل شود، خدا او را به همان واگذار می‌کند).

۴. رفتار غیرانسانی با حیوان و بی‌توجهی به آداب ذبح

برخی گمان می‌کنند هرچه حیوان در حین ذبح بیشتر دست و پا بزند ثواب آن بیشتر است! یا اقدام به ذبح حیوان در برابر چشمان حیوانی دیگر می‌کنند.

• نقد اخلاقی و روایی:

اسلام پیشگام حقوق حیوانات است. در روایت صحیح از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلْيُجِدْ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ، فَلْيُرِخْ ذَبِيحَتَهُ» (صحیح مسلم، حدیث ۱۹۵۵)

ترجمه: «خداوند نیکی (و مدارا) را بر هر چیزی واجب کرده است؛ پس هرگاه ذبح می‌کنید، به بهترین روش ذبح کنید؛ باید هر یک از شما چاقوی خود را تیز کند تا حیوان ذبح‌شونده را راحت کند (و درد نکشد).»

بنابراین، تشنه نگه داشتن حیوان، تیز نکردن چاقو، یا ذبح بی‌رحمانه که موجب وحشت حیوان و کودکان شود، خلاف احسان اسلامی و سنتی سیئه است.

آیا ذبح و قربانی و اهداء ثواب به دیگری شرک است؟

یکی از آسیب‌های جدی که امروزه آگاهی دینی جامعه را تهدید می‌کند، نفوذ بدون تحقیق برخی از شبهات و افکار افراطی رسانه‌های وهابی در میان جامعه علمی و تربیون‌های مذهبی است. متأسفانه دیده می‌شود که برخی از واعظان، خطیبان و جوانان پرشور اهل سنت، بدون مراجعه دقیق به متون اصیل و کهن فقهی خود و صرفاً تحت تأثیر القاءات رسانه‌ای و شبکه‌های ماهواره‌ای وهابیت، به‌ویژه در ایام عید قربان یا مناسبت‌های عبادی، به راحتی بر چسب «شرک» و «کفر» را به رفتارهای سنتی و مشروع عموم مسلمانان می‌زنند. این رویکرد شتاب‌زده، خواسته یا ناخواسته، ترویج‌کننده تفکر تکفیری است که بنیان امت اسلامی را نشانه گرفته است.

بخش دوم: نذر و ذبح برای اولیاء در فقه

برای فهم دقیق‌تر این مسئله، باید به فتاوی‌های استوانه‌های فقهی رجوع کرد تا مرز میان توحید و شرک ادعایی و هابیت روشن شود

۱. تبیین مجاز در کلام عامه از منظر ابن عابدین حنفی

یکی از بزرگ‌ترین استنادات در فقه حنفی، آرای علامه ابن عابدین در کتاب «رد المحتار علی الدر المختار» (حاشیه ابن عابدین) است. وهابیان مکرراً به کلام برخی فقها استناد می‌کنند که نذر برای مخلوق باطل است. اما ابن عابدین و دیگر محققان احناف حقیقت این مسئله را شکافته‌اند:

- اگر فرد عامی بگوید: «نذرتُ لفلانِ الأولیاء» (برای فلان ولی نذر کردم)، ظاهر این لفظ ممکن است موهم اشکال باشد، اما در حقیقت این کلام محمول بر «مجاز» است.
- مقصود واقعی ناذر این است که: «خدایا! من برای تو نذر می‌کنم که حیوانی را ذبح کنم و گوشت آن را به فقرا و مجاوران مزار آن ولی خدا صدقه دهم و ثوابش را به روح او بفرستم».
- از آنجا که نفع این ذبح (صدقه و اطعام) به بندگان خدا و فقرا می‌رسد، این نذر از نظر فقه حنفی صحیح و وفا به آن لازم است؛ زیرا حقیقت آن، نذر برای خداست.

بخش سوم: ادله سنت نبوی و تمایز ظاهر با باطن عمل

فقهای اهل سنت برای اثبات مدعای خود به احادیث صریحی استناد می‌کنند. از جمله حدیث مشهور «ثابت بن ضحاک» در سنن ابوداود که شخصی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: «إِنِّي نَذَرْتُ أَنْ أَذْبَحَ إِبِلًا بَيِّنَةً» (من نذر کرده‌ام که شتری را در منطقه بوانه ذبح کنم). پیامبر اکرم (ص) فوراً او را تکفیر نکردند و فرمودند: آیا در آنجا بتی از بت‌های جاهلیت پرستش می‌شد؟ یا عید و جشنی از جشن‌های مشرکان بود؟ وقتی آن شخص پاسخ داد: خیر؛ پیامبر (ص) فرمودند: «أَوْفِ بِنَذْرِكَ» (به نذرت وفا کن).

اگر بنا باشد ظاهر عمل ملاک قضاوت تندرانه قرار گیرد، بسیاری از مناسک حج شبیه به رفتارهای مشرکان خواهد بود؛ مشرکان دور بت‌ها می‌چرخیدند و ما دور کعبه طواف می‌کنیم؛ آن‌ها سنگ را تقدیس می‌کردند و ما حجرالاسود را می‌بوسیم؛ آن‌ها در منی قربانی می‌کردند و ما نیز در منی قربانی می‌کنیم. اما چه چیزی حج ما را «عین توحید» و عمل آن‌ها را «عین شرک» می‌کند؟ پاسخ تنها در «نیت و عقیده» است. موحد برای خدا انجام می‌دهد و مشرک برای بت.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهشی متون فقهی و کلامی اهل سنت (به ویژه مذهب حنفی)، ذبح حیوان به نیت صدقه از طرف انبیاء و اولیاء و اهداء پاداش آن به ارواح طیبه آنان، عملی مشروع، مستحب و نافع است و فرسنگ‌ها با مفهوم «شرک» فاصله دارد. بنابراین، شایسته است برخی از واعظان و خطیبان محترم اهل سنت:

- در منبرهای خود از شتاب‌زدگی در تکفیر و تفسیق مسلمانان پرهیز کنند.
- فتاوی متقن ائمه فقهی خود را فدای القاءات و فتاوی شاذ و نوبنیاد وهابیت نکنند.
- مرز میان «تعظیم عبادی» (که مخصوص خداست) و «اهداء ثواب و صدقه» (که احسان به خلق و اموات است) را برای مردم تبیین کنند تا جامعه اسلامی از گرداب تفرقه و تکفیر مصون بماند.

آرم‌گدون استکبار؛ چگونه خون «امام مقاومت» خاورمیانه را برای آمریکا جهنم کرد؟

کشیدن ضامن نارنجک در اتاق شیشه‌ای

ترور ناجوانمردانه رهبر عالی‌قدر انقلاب اسلامی امام سید علی خامنه‌ای (ره) توسط ائتلاف شیطانی آمریکا و رژیم صهیونیستی، برای جبهه استکبار یک «پیروزی تاکتیکی» نبود، بلکه بزرگ‌ترین و احمقانه‌ترین خطای محاسباتی تاریخ آن‌ها بود. واشنگتن گمان می‌کرد با بریدن سر مقاومت، پیکر آن از کار می‌افتد؛ اما در منطق عاشورا، خون امام، سپاه را بیدارتر و خشمگین‌تر می‌کند. از نگاه انقلابی، این جنایت، نقطه پایان قطعی بر «دوران مدارا و خویش‌نهادی راهبردی» بود. با ریخته شدن این خون مطهر، تمام خطوط قرمز و محدودیت‌های دکترین دفاعی جمهوری اسلامی به صورت خودکار ملغی شد و ماشین جنگی مقاومت، روی دور «تهاجم همه‌جانبه و انتقام آخرالزمانی» قرار گرفت.

۱. شخم زدن پایگاه‌های شیطانی؛ پایان حضور آمریکا در منطقه

اوج این جنگ، تجلی خشم انباشته‌شده‌ی یک امت بود. جمهوری اسلامی در پاسخ به این جنایت، دکترین «توازن تهدید» را به «نابودی تهدید» ارتقا داد.

پایگاه‌هایش، ناگهان لحن خود را به التماس برای مذاکره تغییر داد و ساعتی بعد دوباره تهدید کرد.

این چرخش‌های سینوسی و تناقض‌های مکرر در کلام ترامپ (از فریاد جنگ‌طلبی تا درخواست واسطه‌گری برای صلح)، نه استراتژی، که سیمایِ عریانِ «استیصالِ یک قماربازِ شکست خورده» است. او که گمان می‌کرد با ترور می‌تواند بازی را به نفع خود تمام کند، اکنون در میانِ آتشِ انتقامِ ایران و اعتراضات داخلی در آمریکا و بحرانِ اقتصادی ناشی از بستن تنگه هرمز، به چنان آشفتگی‌ای دچار شده که حتی هوادارانش هم قادر به درک جهت‌گیری‌های متناقض او نیستند. این سردرگمی، «تیر خلاص» دیگری بر پیکره‌ی در حالِ احتضارِ ابرقدرتیِ آمریکاست.

ترامپ و متحدانش با این ترور، ناخواسته روند اخراج خود از منطقه را دهه‌ها تسریع کردند. از منظر گفتمان انقلاب اسلامی، این تقابلِ خونین ثابت کرد که استکبار هرگز توان رویارویی با ملتی که شهادت را افتخار می‌داند، ندارد. پیامد نهایی این جنگ، محو تدریجی رژیم صهیونیستی و تثبیتِ نظم نوینی است که در آن، آمریکا دیگر حتی جرأتِ تصمیم‌گیریِ منطقی برای خود را ندارد و در سردرگمیِ مطلق دست و پا می‌زند.

از فتح خرمشهر و طوفان طمس تا آسمان اصفهان

تاریخ تقابل جبهه حق با استکبار جهانی، تنها تاریخ برخورد جنگ‌افزارها و استراتژی‌های نظامی نیست؛ بلکه صحنه رویارویی اراده‌های مادی با «سنت‌های قطعی و لایتغیر الهی» است. از منظر اندیشه کلامی، عالم هستی و تمام پدیده‌های آن در قبضه قدرت مسبب‌الاسباب قرار دارد. چگونه خداوند متعال در اوج ناامیدی‌های ظاهری و در برابر پیچیده‌ترین ماشین‌های جنگی، نصرت خویش را بر مؤمنان نازل کرده و متجاوزان را به دست خودشان و سربازان پنهانش نابود می‌سازد.

۱. خرمشهر؛ شکست دژهای نفوذناپذیر

الف) شرح مشروح واقعه میدانی

خرمشهر پس از ۳۴ روز مقاومت جانانه، در آبان ۱۳۵۹ به اشغال ارتش بعث عراق درآمد. صدام حسین که این شهر را «محمرة» نامیده بود، آن را نماد پیروزی خود می‌دانست و برای حفظ آن از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. مهندسان نظامی شوروی و غربی، خرمشهر را به یک دژ نظامی بی‌بدیل تبدیل کرده بودند. دشت‌های اطراف شهر با میلیون‌ها مین پوشیده شده بود،

• **ویرانی لانه‌های عنکبوت:** بارانِ موشک‌های بالستیک، سبیل‌ها و هاپرسونیک‌های نقطه‌زن، دیگر به چند سوله در یک پایگاه محدود نشد. تمام پایگاه‌های نظامی و لجستیکی سنتکام در سرتاسر منطقه از پایگاه پنجم دریایی تا آشیانه‌های پهباداها و جنگنده‌ها به بانک اهداف مشروع، فوری و قطعی تبدیل شدند. هیمنه نظامی آمریکا زیر ضربات سنگین و پیاپی نیروی هوافضای سپاه در آتش سوخت.

• **تلفات بی‌سابقه:** ترامپ که از دادنِ کمترین هزینه نظامی فراری بود، ناگهان با تابوت‌های پرچم‌پیچی روبه‌رو شد که نتیجه مستقیم حماقتِ او در آغاز یک جنگ همه‌جانبه با محور مقاومت بود.

۲. تنبیه سختِ دولت‌های خائن و مرتجع

در نگاه انقلابی، دولت‌ها و رژیم‌های مرتجع منطقه‌ای که حریم هوایی، خاک و پایگاه‌های خود را در اختیار آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داده بودند، دیگر «همسایه» محسوب نمی‌شدند، بلکه «شریکِ جرمِ مستقیم» در خونِ رهبر انقلاب بودند. پاسخ موشکی و پهبادی ایران، این رژیم‌های خائن را به شدت تنبیه کرد؛ پیام این حملات کوبنده کاملاً روشن بود: پناه بردن به آغوش استکبار، هیچ حاشیه امنی ایجاد نمی‌کند و هر خاکی که مبدأ شلیک به سمت ایران باشد، با خاک یکسان خواهد شد.

۳. انسداد تنگه هرمز؛ فشردنِ شریانِ تنفسی استکبار جهانی

کشنده‌ترین ضربه و اهرم قدرتِ بی‌بدیل جمهوری اسلامی در اوج این جنگ، استفاده از حق حاکمیتی و شرعی خود برای بستن کامل تنگه هرمز بود. در منطق انقلابی، وقتی جبهه کفر شمشیر را از رو می‌بندد، دلیلی ندارد که شریان انرژی و شاه‌رگ حیاتِ اقتصادی غرب باز بماند. بسته شدن تنگه هرمز، بازار انرژی جهانی را به مرز فروپاشی کشاند و اقتصاد غرب را فلج کرد تا استکبار با پوست و استخوان خود، تاوان سنگینِ این ترور را بپردازد.

۴. سردرگمی مفتضحانه ترامپ؛ نمایشی از استیصال در پایانِ راه

در پی این حملات گسترده و بسته شدن شریان‌های حیاتی جهان، دونالد ترامپ دچار سردرگمیِ مطلق و تضادِ رفتاری شدیدی شد که نشان‌دهنده سقوطِ هیمنه یک ابرقدرت بود. او که در لحظات اول با ادبیاتِ قلدرمآبانه تهدید به «نابودی ایران» می‌کرد، پس از مشاهده قدرتِ موشکی و دیدنِ فروپاشیِ

میله‌های آهنی و خودروهایی فرسوده در زمین‌های باز کاشته شده بودند تا مانع فرود چتربازان شوند، و خطوط پدافندی تو در تو با کانال‌های بتنی، شهر را غیرقابل نفوذ کرده بود. کارشناسان نظامی جهان معتقد بودند بازپس‌گیری این شهر با تهاجم نظامی کلاسیک، نیازمند ارتشی با برتری مطلق هوایی و زرهی است که ایران در آن زمان فاقد آن بود.

اما در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱، عملیات گسترده «الی بیت المقدس» آغاز شد. طی سه مرحله نبرد نفس‌گیر و با عبور شگفت‌انگیز رزمندگان از رودخانه کارون در تاریکی شب، خطوط دشمن یکی پس از دیگری شکسته شد. سرانجام در روز سوم خرداد، در حالی که هنوز هزاران نیروی تا دندان مسلح بعثی در شهر حضور داشتند، رعب و وحشتی عجیب بر دل‌های آنان افتاد. ارتشی که قرار بود تا آخرین قطره خون مقاومت کند، ناگهان دچار فروپاشی روانی شد و بیش از ۱۹ هزار سرباز و افسر عراقی با بالا بردن دست‌ها، خود را تسلیم رزمندگان پیاده و سبک‌اسلحه ایرانی کردند و خرمشهر آزاد شد.

(ب) و مأموریت اِذرمیت

سقوط این دژ عظیم با معادلات نظامی قابل تفسیر نبود. در همین نقطه بود که امام خمینی (ره) با بینش توحیدی خود فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

این کلام، تبلور عینی این آیه شریفه در قرآن کریم است: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِإِيلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره انفال، آیه ۱۷)

ترجمه: «شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کشت؛ و تو (ای پیامبر) هنگامی که (تیر یا خاک) افکندی، تو نیفکندی بلکه خدا افکند (تا دشمن را شکست دهد)؛ و تا مؤمنان را به آزمونی نیکو بیازماید؛ همانا خداوند شنوا و داناست».

خرمشهر نماد توحید افعالی بود؛ جایی که رزمندگان (اعم از شیعه و سنی)، اسباب مادی اراده الهی شدند تا غرور ارتش بعث در برابر اراده پروردگار در هم بشکند.

۲. واقعه طبس؛ شن‌های که مأمور خداوند بودند

(الف) شرح مشروح واقعه میدانی

پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، دولت ایالات متحده برای آزادی نیروهای خود و وارد کردن ضربه‌ای مهلک به انقلاب نوپای اسلامی، عملیات پیچیده‌ای موسوم به «پنجه عقاب» را طراحی کرد. در ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹، شش فروند هواپیمای ترابری C-۱۳۰ و هشت فروند بالگرد گول‌پیکر RH-۵۳D با بهره‌گیری از نقاط کور راداری، در تاریکی شب وارد حریم هوایی ایران شدند و در صحرای

تاریک طبس فرود آمدند تا برای مرحله نهایی عملیات در تهران آماده شوند.

همه چیز طبق دقیق‌ترین محاسبات نظامی آمریکا پیش می‌رفت و هیچ نیروی نظامی ایرانی از حضور آنان مطلع نبود. اما ناگهان شرایط جوی تغییر کرد. طوفان شنی بی‌سابقه و غیرقابل پیش‌بینی در قلب کویر به پا خاست. دیدِ خلبانان به صفر رسید. ذرات شن وارد موتورهای حساس بالگردها شد و سیستم‌های هیدرولیک را از کار انداخت. در اوج سردرگمی، یکی از بالگردها با یک هواپیمای C-۱۳۰ برخورد کرد و انفجاری مهیب رخ داد. هشت نیروی ویژه دلتافورس در آتش سوختند. فرماندهان آمریکایی در کمال وحشت و استیصال، دستور لغو عملیات را صادر کردند و با جا گذاشتن جنازه‌ها و چندین بالگرد پیشرفته، پا به فرار گذاشتند.

(ب) تحلیل کلامی، آیات و روایات (مأموریت الهی شن‌ها)

آمریکایی‌ها این شکست را به «بدشانسی هواشناسی» نسبت دادند، اما امام خمینی (ره) پرده از روی حقیقت برداشتند و فرمودند: «شن‌ها مأمور الهی بودند».

در جهان‌بینی توحیدی قرآن، طبیعت یک ماشین کور نیست، بلکه ارتشی گوش‌به‌فرمان پروردگار است: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (سوره فتح، آیه ۷)

ترجمه: «و لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خداوند همواره شکست‌ناپذیر و حکیم است».

در ماجرای جنگ احزاب نیز، زمانی که سپاه کفر با تمام توان برای نابودی اسلام آمده بود، خداوند با طوفان به یاری مؤمنان شتافت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا...» (سوره احزاب، آیه ۹)

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن‌گاه که لشکریایی به سوی شما آمدند، پس ما بادی سخت و لشکریانی که آن‌ها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم...»

همچنین در روایات اهل سنت، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که با دعاها مأموران عذاب و رحمت‌اند:

«نُصِرْتُ بِالصَّبَا، وَأُهْلِكَتْ عَادٌ بِالْدَّبُورِ» (صحیح البخاری، حدیث ۱۰۳۵ و صحیح مسلم، حدیث ۹۰۰)

ترجمه: «من با باد صبا (در جنگ خندق) یاری شدم، و قوم عاد با باد دَبُور (طوفان ویرانگر) هلاک شدند»

در طبس، شن‌های روان همان «باد دَبُور» برای آمریکایی‌ها بودند تا هیمنه تکنولوژیک آن‌ها را به خاکستر تبدیل کنند.

۳. نبرد جاری در آسمان اصفهان؛ خودویرانگری مستکبران

الف) شرح مشروح واقعه میدانی

در امتداد رویارویی همه‌جانبه‌ی جبهه استکبار با ایران اسلامی، اخیراً حریم هوایی کشور، به‌ویژه منطقه استراتژیک اصفهان، صحنه تهاجم شبانه و پیچیده هوایی آمریکا بود. دشمن با استفاده از مدرن‌ترین جنگنده‌های رادارگریز، پهپادهای تهاجمی هوشمند و بالگردهای رادارگریز، با هدف ضربه زدن به زیرساخت‌های حیاتی و مراکز حساس وارد عمل شد.

اما در صحنه نبرد، اتفاقی بهت‌آور رخ داد. پیش از آنکه این ناوگان پیشرفته بتواند اهداف خود را محقق کند، سیستم‌های جنگ الکترونیک و شبکه‌های ارتباطی ناوگان متجاوز دچار اختلالات شدید و ناشناخته درونی شدند. نرم‌افزارهای هدایت‌گر که به هوش مصنوعی متصل بودند، در تشخیص اهداف دچار خطای محاسباتی شدند. در نتیجه این سردرگمی، بخشی از جنگنده‌ها و بالگردهای آمریکایی به اشتباه یکدیگر را هدف قرار داده (آتش خودی) و بخش دیگری به دلیل از دست دادن ناوبری، مستقیماً وارد تور پدافند هوایی چندلایه و هوشیار اصفهان شدند. نیروهای پدافند ایران با رهگیری دقیق، ضربه نهایی را وارد کرده و پرنده‌های متجاوز را یکی پس از دیگری در آسمان ساقط کردند. لاشه‌های سوخته‌ی میلیاردها دلار تجهیزات نظامی آمریکا در اطراف اصفهان، به نماد شکست فضاقت بار این عملیات تبدیل شد.

ب) تحلیل کلامی، آیات و روایات (يُخْرِبُونَ مِیُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ)

تحلیل گران نظامی غرب در شوک فروپاشی سیستم‌هایشان هستند، اما برای ما که حوادث را با نور قرآن می‌بینیم، این واقعه تفسیری مجسم از آیه دوم سوره حشر است:

«...فَأَنآَهُمُ اللّٰهُ مِنۡ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوْا وَقَذَفَ فِی قُلُوْبِهِمُ الرُّعْبَ یُخْرِبُوْنَ مِیُوتَهُمْ بِأَیْدِیْهِمْ وَأَیْدِی الْمُؤْمِنِیْنَ فَاعْتَبِرُوْا یَا اُولِی الْاَبْصَارِ» (سوره حشر، آیه ۲)

ترجمه: «...پس عذاب و قهر خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان ترس افکند، [به‌گونه‌ای که] خانه‌های (و دارایی‌های) خود را با دست‌های خویش و با دست‌های مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس ای صاحبان بصیرت، عبرت بگیرید!»

در ماجرای اصفهان، «مِنْ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوْا» دقیقاً همان اختلالات غیرقابل پیش‌بینی در سیستم‌های ایمن کامپیوتری و ارتباطی دشمن بود.

عبارت «بِأَیْدِیْهِمْ» (با دست‌های خودشان) اشاره به خطای محاسباتی،

شلیک به یکدیگر و غرور تکنولوژیکی دارد که ماشین جنگی آمریکا را با دست خلبانان و فرماندهان خودش به نابودی کشاند. و عبارت «وَأَیْدِی الْمُؤْمِنِیْنَ» (و دستان مؤمنان) تجلی شلیک‌های دقیق، بیداری و ایستادگی نیروهای پدافند هوایی جمهوری اسلامی است که تکمیل‌کننده این نابودی بودند.

امام فخر رازی در تفسیر الکبیر ذیل این آیه تأکید می‌کند که وقتی خداوند اراده کند قومی متکبر را مجازات نماید، عقل و تدبیر را از آن‌ها سلب می‌کند تا با ثروت و امکانات خودشان، تیشه به ریشه خود بزنند. ساقط شدن هواپیماهای آمریکایی در اصفهان، اوج این مکر الهی در برابر مکر مستکبران بود: «وَمَكْرُؤٌ وَّمَكْرَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ خَیْرُ الْمَاكِرِیْنَ» (آل عمران، ۵۴).

کاربرد قاعده فقهی «القدیم یترک علی قدمه»

۱. فهم دقیق قاعده: قدمت، نیازمند مشروعیت است

برخلاف برداشت‌های عمومی، فقهای اهل سنت تصریح کرده‌اند که «قدمت» در این قاعده به معنای «سبق مشروع» است، نه صرف «طول مدت زمان».

• مصطفی الزرقا، فقیه نامدار، در کتاب «المدخل الفقهی العام»، ج ۲، ص ۹۹۸، در توضیح این قاعده می‌نویسد: «المراد بهذه القاعدة أن ما كان فی أیدی الناس أو تحت تصرّفاتهم قدیماً من أشياء و منافع و مرافق مشروعاً أصلها ببقی لهم كما هو، و يعتبر قدمه دلیلاً علی أنه حقّ قائم بطریق مشروع».

• بنابراین منظور این است که هر آنچه از منافع و تسهیلات مشروع که در گذشته در دست مردم بوده، به همان صورت باقی می‌ماند و قدمت آن دلیلی بر این است که حقی از طریق مشروع برقرار است. اگر وضعیت دیرینه‌ای نامشروع باشد (مانند تصرف بدون اذن مالک)، این قاعده جاری نمی‌شود.

۲. اثبات حق حاکمیت ایران بر اساس همین قاعده

تطبیق صحیح این قاعده بر موضوع تنگه هرمز، اتفاقاً حاکمیت ایران را تثبیت می‌کند.

• تنگه هرمز در محدوده آب‌های سرزمینی ایران قرار دارد و بر اساس قواعد حقوقی و بین‌المللی، اصل حاکمیت و اختیار مدیریت این منطقه متعلق به ایران است.

• محمد مصطفی زحیلی در کتاب «القواعد الفقهیة وتطبیقاتها فی المذاهب الأربعة»، ج ۱، ص ۲۵۱، تأکید می‌کند چیزی که دارای وجهه شرعی است بر قدمت خود باقی می‌ماند و جایز نیست آن را تغییر داد یا برچید، «مگر با اجازه صاحبش».

• بر اساس این قاعده، اصل حق مالکیت ایران بر تنگه هرمز باقی است؛ اما شیوه اعمال این حق و نحوه بهره برداری از آن (از جمله دریافت هزینه یا محدودسازی عبور)، می تواند متناسب با شرایط جدید و با اراده مالک آن تغییر کند.

۳. محدودیت قاعده در برابر ضرر ملی: «الضرر لا یكون قدیما»

بزرگ ترین خلأ در استدلال فوق، نادیده گرفتن قید مهم این قاعده است. قاعده «القدیم یترک...» تنها تا جایی اعتبار دارد که با ضرر همراه نباشد و در صورت بروز ضرر، قاعده ثانویه «الضرر لا یكون قدیما» اعمال می گردد.

• علی حیدر در کتاب «درر الحکام شرح مجله الأحکام، ج ۱، ص ۲۲» مثال روشنی می زند: اگر فاضلاب خانه شخصی از دیرباز به رودخانه ای بریزد که مردم شهر از آن آب می نوشند، از آن جلوگیری می شود و به قدمت آن اعتنایی نیست؛ زیرا کسی نمی تواند حقی را که مستلزم ضرر عمومی است، مجاز بشمارد.

• احمد بن الشیخ محمد الزرقا نیز در «شرح القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۰۱» تصریح می کند که قاعده پیشین مطلق نیست، بلکه مقید به این شرط است که ضرر نداشته باشد؛ زیرا هیچ وجه شرعی ای وجود ندارد که ضرر زدن به دیگران را مجاز بداند.

• در نتیجه، عبور آزادانه کشتی های متخاصمی که ایران را تحریم و تهدید کرده اند، باعث ضرر به امنیت و اقتصاد ایران می شود و آزادی عبور قدیمی نمی تواند این ضرر را توجیه کند.

• همچنین در فقه اسلامی قاعده قرآنی نفی سبیل «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» حاکم است که بر اساس آن، هر رویه ای که موجب سلطه یا ضرر دشمن بر مسلمانان شود، نامشروع است.

۴. استاندارد دوگانه در استناد به قواعد فقهی

نکته قابل تأمل دیگر، تضاد در به کارگیری این قاعده در مسائل مختلف جهان اسلام است.

• در حالی که برخی از خطبای بازگشایی تنگه هرمز به قاعده «القدیم یترک علی قدمه» استناد می کنند، در مسئله فلسطین (که از قدیم متعلق به فلسطینیان بوده و غاصبان بعداً در آن ساکن شده اند) این قاعده زیر پا گذاشته می شود.

• یکی از ائمه جمعه اهل سنت در نماز جمعه ۳ مرداد ۱۴۰۴، ضمن انتقاد از سکوت مجامع بین المللی، مطرح کردن طرح دو دولت اسرائیل و فلسطین از سوی کشور فرانسه را «اقدام شجاعانه ای» خواندند و خواستار حمایت از این طرح شدند.

• ایشان همچنین در ۲۱ مهرماه ۱۴۰۲ نیز خواستار تشکیل دو حکومت مستقل در کنار یکدیگر شدند و تأکید کردند که نمی توان اسرائیلی ها را نابود یا بیرون کرد و نباید بر موضوعی که شذنی نیست پافشاری کرد.

• این مسئله نشان می دهد قاعده ای که توسط این دسته از خطبا برای الزام ایران در تنگه هرمز مورد تأکید قرار می گیرد، در برابر موجودیت غاصبانه اسرائیل جاری دانسته نمی شود.

نتیجه

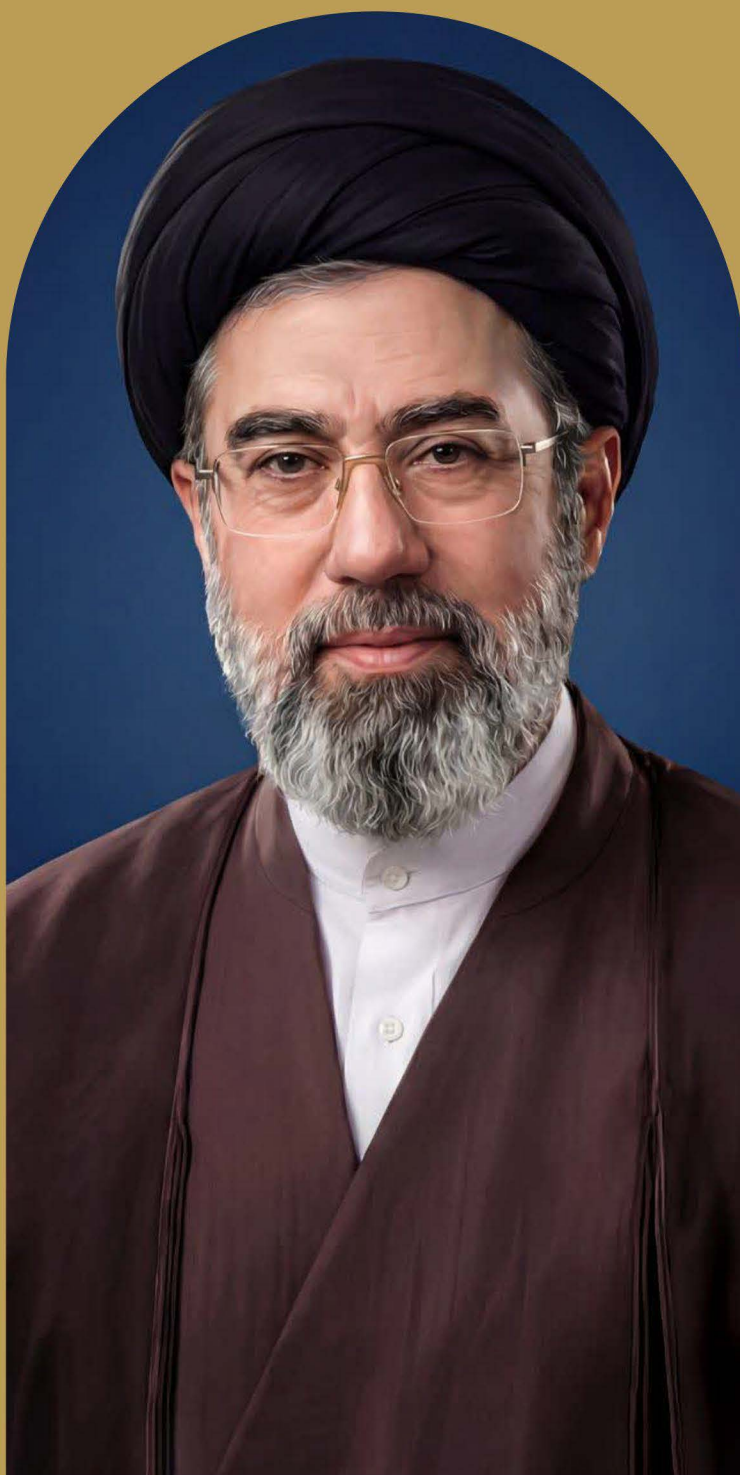
بولتن حاضر در سه محور کلیدی به تبیین جایگاه سنت های الهی در برابر انحرافات فکری و عملی پرداخت: نخست، با بازخوانی فلسفه قربانی در قرآن و سنت، ثابت شد که روح این عبادت بزرگ، تقوا، ایثار و فقرزدایی است، نه خرافاتی مانند خون مالی، تقدس اجزای حیوان یا رفتارهای غیرانسانی با قربانی. این خرافات نه تنها با طهارت و بهداشت اسلامی در تضادند، بلکه بازگشت به رسوم جاهلی هستند که اسلام قاطعانه آن ها را نفی کرده است.

دوم، با استناد به منابع معتبر فقهی اهل سنت و نقد مبانی وهابی، ثابت شد که ذبح برای خدا و اهدای ثواب به انبیا و اولیاء، عملی کاملاً مشروع و مبتنی بر اجماع فقهاست و شرکانگاری آن، ناشی از سوءفهم در نیت مسلمانان و خلط میان «تعظیم عبادی» (مخصوص خدا) و «اهدای ثواب و صدقه» (که احسان به اموات است) می باشد. تکفیر و تفسیق مسلمانان به خاطر این سنت دیرینه، تفرقه افکنی و دوری از روح امت واحده اسلامی است.

سوم، در عرصه رویارویی تاریخی حق علیه باطل، حوادثی چون فتح خرمشهر، واقعه طبس و نبرد اصفهان، همگی تجلی عینی سنت های لای تغییر الهی (مانند نصرت مؤمنان، عذاب مستکبران از راه های پیش بینی نشده، و خودویرانگری متجاوزان) بودند که در آیات قرآن (انفال ۱۷، فتح ۷، احزاب ۹، حشر ۲) و روایات معتبر فریقین بازتاب یافته است. قاعده فقهی «القدیم یترک علی قدمه» نیز نه توجیهی برای بقای هر وضعیت ناعادلانه، بلکه تأکیدی بر حفظ

حقوق مشروع به شرط عدم ضرر و سلطه کافران است؛ و اعمال استاندارد دوگانه در استناد به این قاعده (باز کردن تنگه هرگز برای متجاوزان در عین پذیرش اشغال فلسطین) آشکارا نادرست و خلاف عدالت اسلامی می‌باشد.

در مجموع، این بولتن روشن ساخت که بازگشت به قرآن، سنت نبوی و فقه اصیل، هم ما را از خرافات و بدعت‌ها می‌رهاند، هم از تندروی‌های تکفیری، و هم در برابر توطئه‌های استکبار، چشم بصیرت را به سنت‌های الهی می‌گشاید که «هرگز در سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت» (سوره فاطر، آیه ۴۳).



مُنادیانِ اَمّت

دو هفته نامه منادیان امت | شماره سی | خرداد ماه ۱۴۰۵

